

از دوربین عکاسی تا کامپیوتر

ترجمه: منیژه ناصر

اتاق، دیسک کامپیوتر، دستگاه تلویزیون،

این است مرز جدید عکس.

اما کدامین افقها را می‌گشاید؟

عیب اصلی این دستگاه-البته اگر بتوان آن را عیب نامید- این است که در حال حاضر، فقط با سیستم NTSC یعنی استاندارد تلویزیونی آمریکا عمل می‌کند که با سیستمهای اروپایی فرق دارد. مشکل دیگری نیز وجود دارد: عکسها قابل چاپ شدن نیستند و یا بهتر است بگوییم با یک چاپ کننده لیزری فوق‌العاده پیچیده، قادر به چاپ آنها هستیم. این عکسها چندان شبیه عکسهایی که ما به آنها عادت کرده‌ایم، نیستند و مانند عکسهای روزنامه‌ای خیلی معوج به نظر می‌رسند. چنانچه این دستگاه- همان طور که احتمال آن می‌رود- با موفقیت روبرو شود، انواع اروپایی آن نیز خیلی زود به بازار خواهند آمد.

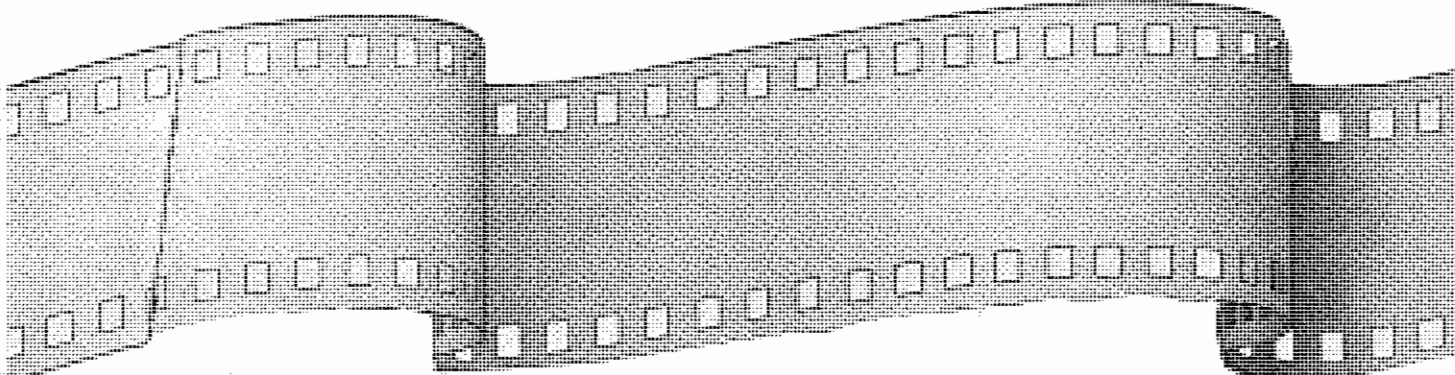
تا جایی که به مطبوعات مربوط می‌شود، نتیجه به دست آمده از کار این دستگاه شبیه به پزیتوهای روی شیشه است که باید روی پرده‌ای پخش شوند. با این تفاوت برتر که در اینجا کادرهایی بسیار بزرگ خواهید داشت. در واقع دو مزیت وجود دارد: یکی اینکه نیازی به ظهور فیلم نیست و حتی لزومی ندارد منتظر تمام شدن حلقه فیلم شوید، زیرا خیلی زود می‌توانید حاصل کار خود را ببینید. دیگر آنکه، از آنجا که تلویزیون سیستم ویژه خود را برای تنظیم رنگ و نور و کنتراستها دارد، پر واضح است که در محدوده‌های خاصی می‌توان مطابق میل خود حالت عکس را تغییر داد و به طور آزمایشی حاصل دلخواه را تجربه کرد. مثلاً در جایی که رنگ سبز بیشتری می‌خواهیم، می‌توانیم ببینیم با سولاریزه کردن تصویر یا حذف حاشیه‌ها چه روی خواهد داد.

حال که به تشریح این اختراع می‌پردازیم، سعی می‌کنیم توضیح دهیم که چرا این اختراع یک نشانه هشدار دهنده از آینده‌ای در شرف وقوع و یا حتی در حال جریان به نظر می‌رسد. در مرحله اول متوجه می‌شویم که دستگاه جدید، نه اشیاء واقعی بلکه چیزی بسیار انتزاعی (آبستره) تولید می‌کند. در واقع تصویری که بر روی صفحه تلویزیون به دست می‌آوریم قطعاً عینی است، اما دیگر به عمل ثبت نور روی فیلم بستگی ندارد، بلکه تأثیر مستقیمی از اشیاء را ثبت می‌کند. سخن از برنامه‌های متعارف است که واقعیت را به مجموعه‌ای از نمادهای غیر مادی «برگردان» کرده و به واسطه یک برگردان جدید، بار دیگر آنها را به «شیء» تبدیل می‌کند. پس تصویر چیزی بالقوه است که همواره می‌توان با دست روی آن کار کرد.

بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد: ما به سرعت به سمت دنیایی می‌رویم که کمتر ردیای مستقیمی از دنیای واقعی در آن یافت می‌شود. واژه «تصویر» کمتر به معنی مدرک و نمودی از طبیعت و بیشتر به مفهوم یک «خیال» خواهد بود. زندگی آنچنان که «کالدرون دلا بارکا» می‌خواست نه فقط یک «رویای» که به طور قطع یسک «اندیشه» خواهد بود.

نکته دیگری وجود دارد که بیشتر جامعه شناسانه است و آن، این است که در واقع اختراع جدید، چیزی اساساً شخصی و خانوادگی را- مثل یک عکس آماتوری- به تلویزیون باز می‌گرداند. تلویزیون مرز جدیدی را در رسانه‌های گروهی فتح می‌کند و جهانی فردی را- که زمانی همان عکس بود- از آن خود می‌سازد. بنابراین آنچه که می‌توان آن را «طرح» تلویزیونی نامید، روبه توسعه است. طرح معرفی شده- به تعبیری- یک وسیله اساسی از میان برداشتن مرزهای اجتماعی است. مرزهای دیگر نیز پیش از این توسط تکنولوژیهای تلویزیونی از جمله سینما، اخبار، موسیقی، مکالمه و ورزش گشوده شده بود. در حال حاضر دقیقاً به نظر می‌رسد که سرتاسر جهان ارتباطات به زبان تلویزیون برگردانده می‌شود. صفحه تلویزیون تمام آنچه را که به کار زندگی روزمره می‌آید، در خود دارد. اکنون دیگر می‌توانیم مانند آلیس عمل کنیم. یعنی خودمان به آن سوی صفحه، در آن «سرزمین عجایب» نوین- که تلویزیون باشد- بپریم. کافی است آماده شویم، کلید ماشین عکاسی را بزنیم، آن وقت طرحی از خود خواهیم داشت. حالا فقط باید دستگاه کنترل از راه دور را کنار بگذاریم.





سینمای تجربی در ایران، که می‌تواند به دور از جاذبه‌های سینمای حرفه‌ای محملی مناسب برای بیان معضلات اجتماعی و مشکلات جامعه و نشان دادن دردها و درمانها باشد، اکنون بیشتر به جلب نظر داوران جشنواره‌ها توجه دارد و به‌طور محسوسی به مستندسازی گرایش پیدا کرده است.

فیلمساز با ساختن فیلم، گونه‌ای از زیستن و شیوه‌ای هنرمندانه برای ایجاد ارتباط با انسانها را بر می‌گزیند، ارتباطی که نیاز درونی و ذاتی تمامی انسانهاست. او می‌خواهد بهترین شیوه برای بیان موضوع مورد نظر خویش را بیابد. از طرفی انتخاب نوع وسیله نیز به ماهیت موضوع بستگی دارد. وی برای دستیابی به بهترین روش ارائه مقصودش باید راه تجربه را طی کند و در این راه گامهای نخستین خود را در سینمای تجربی بر می‌دارد.

سینمای غیر حرفه‌ای یا به عبارتی «تجربی»، در وهله اول سینمایی است به منظور تجربه کار سینمایی.

اصولاً ماهیت یک طرح تجربی در درجه اول انعطاف پذیری آن است. به این معنی که می‌تواند از تجربه‌های منفی پند بگیرد و راه آینده را در جهت اعتلا و رشد کیفی سینمای کشور، هموار کند. در واقع سینمای تجربی همان «سینما» است، با تمامی پیچیدگی و قدرت عظیمی که در امر رساندن پیام دارد. از سوی دیگر دو ویژگی کاملاً متفاوت در سینمای تجربی به چشم می‌خورد. از طرفی «محدود» است -- به جهت استفاده از تکنیکهای سینمایی. شاید به علت هزینه گزاف آن -- و از طرفی دیگر محدودیتها و حصارهای سینمای حرفه‌ای را درهم می‌شکند و به بیان صریح مشکلات اجتماعی می‌پردازد.

● آیا فیلمهای کوتاه ۸ و ۱۶ میلیمتری سینماگران جوان محکومند که در آرشیوها بمانند؟

اگر خواهان بهبود و تعالی وضع اجتماع هستیم، می‌بایست به نسل جوان که صاحبان آینده کشور هستند، بهای بیشتری بدهیم درست از همین جاست که نقش و جایگاه انجمن سینمای جوان، به روشنی مشخص می‌شود. انجمن سینمای جوان در رشد و تعالی نیروهای جوان فیلمساز کشور، می‌تواند نقش بسیار مؤثری ایفا نماید. یکی از عوامل رشد دهنده این نیرو، عنصر «آزادی» است، در حدی که فیلمساز جوان در ارائه اندیشه و دیدگاه خویش دچار محدودیت و وسواس نشود. چرا که اساسیترین عنصر خلق یک اثر هنری، دیدگاه هنرمند است. در ضمن او برای بیان اندیشه و انتقال پیامش به فرصتی نیاز دارد.

گفتیم که «سینمای تجربی» خود «سینما» است. اما جایگاه آن در کجای وسایل ارتباط جمعی است؟ فیلمهای سینمایی در سالنهای سینما به نمایش در می‌آیند. تلویزیون به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی به درون خانه‌ها راه یافته است. اما «سینمای جوان» چگونه رسانه‌ای است؟ آیا فیلمهای کوتاه ۸ و ۱۶ میلیمتری سینماگران جوان محکومند که در آرشیوها بمانند؟ البته یکی از کانالهایی که فیلمهای کوتاه و تجربی فیلمسازان جوان از طریق آن، امکان ارائه دارند، جشنواره‌های فیلمهای کوتاه است. فیلمهای فیلمسازان جوان در قالب جشنواره‌ها به نمایش در می‌آیند و عده‌ای از مردم نیز آنها را تماشا می‌کنند. باز هم جای شکرش باقی است!

● دو ویژگی کاملاً متفاوت در سینمای تجربی به چشم می‌خورد. از طرفی «محدود» است به جهت استفاده از تکنیکهای سینمایی، شاید به علت هزینه گزاف آن و از طرفی دیگر محدودیتها و حصارهای سینمایی حرفه‌ای را درهم می‌شکند و به بیان صریح مشکلات اجتماعی می‌پردازد.

آیا جشنواره خود یک رسانه است یا اینکه به عنوان یکی از شاخه‌های فرعی رسانه سینما عمل می‌کند؟ جشنواره، رسانه‌ای است که قشر جوان کشور را تحت پوشش خود دارد، ابزاری قابل دسترس برای کسانی است که سینما را به عنوان وسیله ارتباطی خود با جامعه برگزیده‌اند، میدان فعالیت نسبتاً گسترده‌ای است که می‌تواند از آن برای یک پیام انسانی بهره جست. به بیانی دیگر سینمای غیر حرفه‌ای رسانه‌ای است رودر روی رسانه‌های دیگر، یعنی سینمای وابسته، محافظه کار و مصلحت جو سینمای تجربی سینمایی است بی‌پروا، «جوان» و جسور. چشمانی جور برای دیدن واقعیت دارد و زبانی گستاخ برای بیان آن سینمای جوان نه تنها دستمایه‌اش اندیشه جوان است، بلکه روی سخنش نیز با جوانان است. سینمای غیر حرفه‌ای می‌تواند محملی باشد مناسب، برای بیان معضلات اجتماعی، مشکلات جامعه، دردها و گاه درمان. محیطی صمیمی است، بی‌آلایش شگردهای تبلیغاتی.

